

مدلی برای جامعه‌پذیری حوزوی



مجید کافی ۱

هر جامعه‌ای نیاز به تربیت نیروی انسانی کارشناس و متخصص متناسب با محیط و فعالیت‌های سازمانی و غیر سازمانی خود دارد. برای تأمین این منظور و هدف، نهاد و سازمان‌های آموزشی در هر جامعه‌ای شکل می‌گیرند. نهادهای آموزشی جوامع افزون بر انتقال دانش‌های نظری به فراگیران خود، آنان را برای پذیرش نقش‌های اجتماعی بر اساس ذوق و علاقه‌شان تربیت و جامعه‌پذیر می‌کنند.

صورت‌بندی راهبردها و برنامه‌هایی کمک کند که از طریق آن‌ها بتواند ضروری‌ترین خدمات را به جامعه ارائه کند. پس از انقلاب که شرایط اجتماعی در سطحی وسیع تحول یافت، شواهد فراوانی در دست است که حاکی از این است که برنامه‌های آموزشی حوزه‌ها نیاز به تغییر و اصلاح جدی داشت که سازگار با شرایط جامعه انقلابی شود.

در راستای رفع نیازهای اجتماعی، حوزه با بازشناسی رو به رشد خصائص جامعه معاصر و در جهت انجام کامل وظایف خود باید رابطه تنگاتنگی با جامعه داشته باشد. تصدیق این نکته که حوزه‌ها و روحانیون برای انجام کارکردهایش باید رابطه نزدیکی با جامعه داشته باشد که به آن خدمت می‌کند، یکی از ویژگی‌های دوران پس از انقلاب است. نیاز روزافزون جامعه به خدمات طلاب و مراکز حوزوی یا وابسته به حوزه، به نوآوری‌های فراوانی انجامیده است که به طور عمده در خدمت پاسخ‌گویی اجتماعی بیشتر بوده‌اند. نیازهای مردم و دستگاه‌های اجرایی و حاکمیتی حوزه‌ها را روز به روز بیشتر به شناخت صریح‌تر روش‌ها و ابزارها برای پایه‌ریزی پایه‌هایی محکم‌تر و سازگارشدن با نیازهای جاری جامعه سوق داده است.

افزون بر این بخشی از نقش‌ها و وظایف که تا قبل از انقلاب جز وظایف و نقش‌های دانشگاهی بوده است، بعد از انقلاب جز وظایف و نقش‌های حوزه‌ها نیز قرار گرفت؛ ولی آیا حوزه‌ها شرایط پذیرش این نقش‌های جدید

یکی از سازمان‌های آموزشی تأثیرگذار در جامعه ایران حوزه‌های علمیه هستند. نقش‌ها و وظایف حوزه‌های علمیه در دو دسته کلی سنتی (پیش‌انقلاب) و جدید (پساانقلاب اسلامی) تقسیم می‌شوند: وظایف سنتی عبارتند از: تبلیغ، تبیین، دفاع از دین و انتقال علوم دینی به نسل‌های جدید؛ این وظایف و خدماتی است که حوزه برای تحقق آن‌ها در جامعه دینی تأسیس شده بود.

زمانی تصور می‌شد حوزه‌ها باید علوم دینی را حفظ کنند، انتشار دهند، تبلیغ کنند و به پیش برند. اما امروزه حوزه‌ها با مسئولیت‌های جدید و خارق‌العاده اجتماعی مواجه هستند. قصور در شناسایی و کوتاهی در عمل به این مسئولیت‌ها می‌تواند برای تمدن نوین اسلامی نامناسب باشد. وظایف جدید حوزه‌ها افزون بر وظایف سنتی عبارت است از: آماده‌سازی طلاب برای تصدی نقش‌ها و منزلت‌های حرفه‌ای و تخصصی؛ آموزش قواعد ارتباطی با گروه‌های مخاطب؛ آموزش قواعد زندگی در کلان‌شهرها (آپارتمان‌نشینی، ترافیک، اوقات فراغت، شادی و نشاط، و... با حفظ برشئون و زی‌طلبگی)؛ تبادل علمی در قالب یادگیری و یاددهی با نهادی علمی غیر حوزوی؛ پیروی از هنجارها، آداب، قوانین اجتماعی، حوزوی و علمی. همه این امور و مواردی دیگر باید با فرایند جامعه‌پذیری در طلاب نهادینه شوند. حوزه بعد از انقلاب به شیوه‌های پیشرفته پژوهشی-آموزشی برای تحقق این وظایف نیاز داشت تا با آن‌ها در

سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیر دولتی)، هنری (کارشناس مذهبی و یا اجرای نقش در فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی و سینمایی، کارشناس مذهبی در جشنواره‌های مختلف هنری و...)، آموزشی (حضور در دبستان‌ها و دبیرستان‌ها و ادارات آموزش و پرورش) و... حضور طلاب و روحانیون محسوس است؛ از این رو، حوزه‌های علمیه هم به عنوان یک مرکز آموزشی از این کارکرد تربیتی مستثنا نیست و باید نسبت به انتقال دانش دینی به طلاب و تربیت و جامعه‌پذیری آنان نسبت به نقش‌های اجتماعی که در آینده باید آن‌ها را پذیرا باشند، فعالیت و برنامه‌هایی مشخص و روشن داشته باشد.

افزون بر نقش‌های جدید و آگدا شده به حوزه‌ها، مسئولیت‌هایی نیز حوزه در قبال مشکلات و آسیب‌های اجتماعی برآمده از جامعه جدید دارد. هیچ نهاد اجرایی به تنهایی نمی‌تواند مشکلات اجتماعی، فرهنگی و تمدنی را حل کند؛ چون اصولاً هیچ‌یک از آن‌ها نهادی برای تولید فکر و اندیشه نیستند و حل مشکلات به اندیشه فراوان بدون سوگیری و مستقل و انتقادی نیاز دارد و حوزه و دانشگاه تنها نهادهایی هستند که هم‌چنان مراکز مستقل و انتقادی محسوب می‌شوند یا باید بشوند.

با وجود این مقدار از تنوع و تکثر نقش‌های اجتماعی مورد انتظار از حوزه، آیا طلاب برای پذیرش این موقعیت‌ها، مسئولیت‌ها و نقش‌های اجتماعی جامعه‌پذیر شده‌اند؟

را به لحاظ ظرفیت و امکانات نظام آموزشی، منابع علمی، استاد، متون درسی، تحقیقاتی و... در اختیار داشته است. به بیان دیگر آیا حوزه‌ها امکان و ظرفیت جامعه‌پذیرکردن بخشی از طلاب را برای اجرای نقش‌های جدید اجتماعی داشتند؟ به هر حال امروز باور بر این است که جامعه‌پذیرکردن طلاب برای نقش‌ها و موقعیت‌های اجتماعی ایجاد شده است.

حوزه‌های علمیه فضاهایی برای آموزش معارف دینی‌اند که طلاب می‌توانند در آن‌ها معارف لازم برای تبیین و تبلیغ دین اسلام را به دست آورند؛ افزون بر این، بخشی از تربیت کارشناسان و متخصصان مورد نیاز کشور هر چند بخش ناچیزی، بر عهده حوزه‌های علمیه است. پس از انقلاب؛ به ویژه در دو دهه اخیر، طلاب در بسیاری از موقعیت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و علمی حضور یافته و نقش‌پذیر شده‌اند. در بسیاری از سازمان‌های اقتصادی (بانک‌ها و مؤسسات مالی)، علمی (دانشگاه‌ها اعم از استادی درس معارف و یا کارشناسان فرهنگی و کارمندی در دفاتر نمایندگی رهبری)، نظامی و انتظامی (دفاتر عقیدتی - سیاسی ارتش و نیروی انتظامی و دفاتر ولی فقیه در سپاه)، قضایی (از ریاست قوه قضائیه تا قضات و کارشناسان قوه قضائیه و وکالت)، فرهنگی (به عنوان معاونت‌های فرهنگی بسیاری از سازمان‌ها مثل شهرداری‌ها)، خدماتی، مشاوره‌ای (تأسیس مراکز مشاوره‌ای خصوصی یا به عنوان مشاور

چگونگی و سازوکار، آسیب‌ها و کارکردهای جامعه‌پذیری حوزوی مربوط می‌شود، تحقیق و مکتوبی مفصل می‌طلبد؛ ولی این جستار فقط در صدد پاسخ به این پرسش است که مفهوم و مدل‌های جامعه‌پذیری در جامعه‌شناسی چه دلالت‌هایی برای فهم جامعه‌پذیری و ترسیم مدل جامعه‌پذیری حوزوی دارد؟ در جستارهای دیگر گزارشی از تحقیق در خصوص پرسش‌های دیگر ارائه خواهد شد.

حوزه در ایران در چند دهه اخیر تغییراتی داشته است؛ ولی آیا حوزه به تازگی به اندازه کافی تحول یافته است یا هوشمندانه اصلاح شده است تا در جامعه‌ای که توسط قدرت‌های سیاسی، شبکه‌های اجتماعی مجازی، تهاجم‌های سیاسی و فرهنگی بی‌سابقه داخلی و خارجی و... به سوی چالش‌هایی سوق داده شده است، بتواند همچون نهادی مؤثر و تحول‌آفرین ایفای نقش کند؟ فرض بر این است که اگر با وجود جذب بسیاری از طلاب در سازمان‌ها و نهادهای نظام و گاهی ناکارآمدی آن‌ها، طرحی برای ارتقا جامعه‌پذیری آنان و کشف و تبیین عوامل ناکارآمدی جامعه‌پذیری سنتی حوزه‌ها اجرا نشود و راهکارهایی برای حل مسائل آن ارائه نگردد، هم آن سازمان‌ها و هم حوزه‌های علمیه هم به لحاظ دینی - فرهنگی (تضعیف دینداری و تقویت دنیاگروری در جامعه)، هم به لحاظ اجتماعی (عدم واگذاری نقش‌های اجتماعی و عدم اطمینان و اعتماد جامعه به

طلاب چگونه برای پذیرش این نقش‌ها جامعه‌پذیر و تربیت می‌شوند؟ در حوزه به غیر از آموزش ادبیات عرب، منطق و فلسفه، اصول و فقه و گاهی تفسیر، آیا طلاب نسبت به غیر از کارکردهای ثابت و سنتی حوزه‌ها جامعه‌پذیر و تربیت می‌شوند؟ برای مثال آنان برای ارتباط اجتماعی با مردم که لازمه تبلیغ دین است، جامعه‌پذیر می‌شوند؟ همین پرسش در مورد کارکردهای جدید مطرح است که آیا نسبت به وظایف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که در کشور بر عهده می‌گیرند جامعه‌پذیر می‌شوند؟ برنامه‌های آموزشی و تربیتی حوزه‌ها برای جامعه‌پذیرکردن طلاب برای پذیرش این نقش‌ها چیست؟ جامعه‌پذیری طلاب در دوران پساانقلاب اسلامی نسبت به انتظارات نظام و مردم در دو وضع عمومی و تخصصی در چه وضعیتی است؟ تفاوت‌ها و تشابه‌های جامعه‌پذیری در بخش عمومی و تخصصی حوزه‌های قبل از انقلاب و پس از انقلاب کدامند؟ آسیب‌ها و پیامدهای جامعه‌پذیری حوزه‌ها نسبت به پذیرش نقش‌ها و موقعیت‌های اجتماعی و تخصصی جامعه پساانقلاب اسلامی از سوی طلاب کدامند؟ دلایل عدم انطباق جامعه‌پذیری حوزوی با نیازهای اجتماعی پساانقلاب اسلامی چیست؟ راهکارهای به‌روزکردن و متناسب‌سازی فرایند جامعه‌پذیری حوزوی با انتظارات نظام و مردم کدامند؟

پاسخ به همه پرسش‌های بالا و پرسش‌های دیگر که به چستی، چرایی،

حوزویان) و هم به لحاظ سیاسی (تضعیف نظام مقدس جمهوری اسلامی و موقعیت روحانیون در نظام سیاسی) دچار آسیب می‌شوند.

هر چند از عمر حوزه‌های علمیه بیش از سیزده قرن می‌گذرد؛ ولی تحقیق جامعی در خصوص پرسش‌هایی در زمینه نظام تربیتی و جامعه‌پذیری آن انجام نشده است. توسعه کمی و کیفی حوزه‌ها و بهبود اثربخشی و تأثیرگذاری آن بر سطوح گوناگون جامعه، بدون درک و بررسی دقیق نظام جامعه‌پذیری حوزه‌ها سخت و سعی ناتمام خواهد بود.

جامعه‌پذیری حوزوی مثل جامعه‌پذیری هر سازمان و نهادی دیگر تحت تأثیر گرایش‌ها و ارزش‌های کنشگران حوزه اعم از طلاب، استادان، مدیران و مجریان، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان و فرهنگ داخلی و اجتماعی است. سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و زمینه‌سازی برای تولید علمی و پذیرش نقش‌های جدید اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و علمی نیاز به بررسی و تحقیق و نظارت و پایش‌های مستمر در مورد جامعه‌پذیری حوزه‌ها است؛ بنابراین هدف این جستار در موارد زیر گزارش می‌شود:

- اکتشاف و تبیین بایستگی تناسب جامعه‌پذیری حوزوی با نقش‌پذیری طلاب در موقعیت‌های اجتماعی، سازمانی، آموزشی و پژوهشی؛

- اکتشاف و تبیین بایستگی تناسب جامعه‌پذیری حوزوی با انتظارات مورد توقع

جامعه پس‌انقلاب اسلامی؛

- کشف مدل جامعه‌پذیری حوزوی در دوره معاصر؛

- ارائه راهکارهای تناسب‌سازی جامعه‌پذیری حوزوی با انتظارات مورد توقع.

روش تحقیق

روشی که در این تحقیق استفاده شده است، نوعی استنطاق از اسناد و متون مصاحبه‌ها درباره برنامه‌های آموزشی حوزه‌ها بر اساس پرسش‌هایی است که از آثار جامعه‌شناسی در موضوع یا دال جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن استخراج شده‌اند. پژوهش‌های استنطاقی در زمره پژوهش غیر مستقیم اسنادی جای می‌گیرد؛ بر این اساس در روش مورد استفاده در این گونه مطالعات، در مراحل مختلف می‌توان از شیوه‌های گوناگون در گردآوری اطلاعات؛ همچون تجربه‌های شخصی و همین‌طور در تحلیل داده‌ها استفاده کرد. اگر محقق رویدادی را شخصاً مشاهده و تجربه کرده باشد، شاید آن را صحیح می‌پندارد و آن را می‌پذیرد. در این صورت تجربه شخصی نوعی منبع علمی معتبر برای محقق محسوب می‌شود؛ اگرچه هر کسی می‌تواند تجربه منحصربه‌فردی داشته باشد و گاهی می‌تواند برای او و شاید هم برخی از افراد دیگر درست باشد؛ ولی بی‌تردید، برداشت‌ها و استدلال‌های روزمره انسان‌ها می‌تواند اشتباه نیز باشد. بنابراین، محقق برای کاهش اشتباه خود به خبرگان و صاحب‌نظران مراجعه می‌کند؛ پس منبع دیگر جمع‌آوری داده‌ها، رجوع

به طور خلاصه تکنیک جمع‌آوری داده‌ها اسنادی و مصاحبه است. عمده‌ترین رویهٔ تحلیل در پژوهش‌های استنتاجی پاسخ‌گویی منطقی به پرسش‌های مطرح‌شده بر اساس منطق دلالت‌ها است. رویهٔ تحلیل داده عبارت است از استخراج دال‌های محتوایی از داده‌های جمع‌آوری‌شده بر اساس پرسش‌های پژوهش به صورت نظام‌مند و ارائهٔ

شواهدی از داده‌های محتوای که مبتنی بر آن، برهانی موافق پرسش موردنظر ساخته شود یا آن برهان را تقویت یا حمایت کند.

جامعه‌پذیری

موقعیت‌های اجتماعی حتی زمانی که با تلاش و کوشش فرد به دست آمده و اکتسابی هستند، همیشه مطابق با بینش‌ها، گرایش‌ها و مهارت‌ها به افراد واگذار نمی‌شوند؛ بلکه بدون این که توانایی‌های آنان سنجیده شود به آنان واگذار می‌شود؛ ولی در صورت عدم توانایی افراد نیز، از آنان ایفای دقیق و درست نقش‌های آن موقعیت‌ها انتظار می‌رود؛ چون هر موقعیت اجتماعی وابسته به نقش‌هایی است و این یعنی مجموعه‌ای از نقش‌های مورد انتظار از فرد حامل آن نقش که ضمانت اجرای آن توسط گروه‌های مرجع مربوط به میدان آن نقش تأمین می‌شود؛ ولی قبل از این که فرد بتواند نقش خود را ایفا کند باید

موقعیت‌های اجتماعی حتی زمانی که با تلاش و کوشش فرد به دست آمده و اکتسابی هستند، همیشه مطابق با بینش‌ها، گرایش‌ها و مهارت‌ها به افراد واگذار نمی‌شوند؛ بلکه بدون این که توانایی‌های آنان سنجیده شود به آنان واگذار می‌شود؛ ولی در صورت عدم توانایی افراد نیز، از آنان ایفای دقیق و درست نقش‌های آن موقعیت‌ها انتظار می‌رود.

به خبرگان و صاحب‌نظران در این قلمرو علمی است. بیشتر محققان به اطلاعات عرضه‌شدهٔ خبرگان، صاحب‌نظران توجه کرده و در تحقیقات به‌عنوان منابع تحلیل خود از آنها استفاده می‌کنند.

در این جستار در صدد فهم و استخراج مدل جامعه‌پذیری حوزوی هستیم که مستلزم واکاوی مفهوم و مدل‌های جامعه‌شناختی جامعه‌پذیری

به‌عنوان دلالت‌های تحقیق است؛ از این رو، بر آثار جامعه‌شناسی جامعه‌پذیری به‌عنوان منبع مطالعاتی متکی است. دلالت‌پژوهی در این جستار، یعنی استنباط و استخراج دلالت‌های مدل‌های جامعه‌پذیری برای جامعه‌پذیری حوزوی. بدین منظور: نخست، در ابتدا پرسش‌هایی از کتاب‌های جامعه‌شناسی در خصوص دال جامعه‌پذیری استخراج شده‌اند؛ دوم، برای یافتن مدل‌ها یا پاسخ پرسش‌ها داده‌هایی جمع‌آوری شده‌اند؛ داده‌های تحقیق عبارت‌اند از: مواد متنی و اسنادی؛ موارد مشاهده‌شده در گذشته و در حال وقوع؛ تجربهٔ زیسته پژوهشگر و سایر طلاب، متن مصاحبه‌های انجام‌شده؛ یادداشت‌های میدانی حاصل از مشاهدهٔ پژوهشگر یا سایر پژوهشگران؛ سوم، با غور و ژرف‌کاوی در داده‌های جمع‌آوری‌شده، پاسخ پرسش‌ها استنباط و استخراج شده‌اند.

آن را بشناسد و نسبت به آن‌ها آموزش دیده باشد، مثل یک هنرپیشه. بنابراین انسان در اجتماع نیز لازم است نقش‌های خود را بیاموزد. با محتوا و کیفی و پاداش‌های آن آشنا شود. در این جا با یکی دیگر از سازوکارهای بنیادین جامعه روبه‌رو می‌شویم؛ یعنی فرایند جامعه‌پذیری از راه

درونی کردن الگوهای رفتاری. جامعه‌پذیری فرایندی است که در آن افراد توسط عوامل جامعه‌پذیری تربیت می‌شوند و هویت علمی - فرهنگی و تربیتی خود را شکل و تکامل می‌دهند.

از دیدگاه جامعه‌شناسان، جامعه‌پذیری روندی است که فرد را برای زندگی گروهی آماده می‌کند و نقش اساسی در

در شکل‌گیری شخصیت، نگرش و رفتار فرد دارد. به بیان دیگر جامعه‌پذیری فرایندی است که طی آن هر فردی راهکارهای ارائه شده از جانب یک اجتماع معلوم یا گروه‌های اجتماعی را یاد می‌گیرد تا بتواند در آن جامعه کارکرد داشته باشد.^۲ در تعریفی دیگر جامعه‌پذیری عبارت است از مرحله‌ای که شخص طی آن خصوصیات مناسب مورد نیازش را برای عضویت در جامعه به دست می‌آورد که مهم‌ترین پیامد آن، شناختی است از خود به عنوان یک موجود استوار اجتماعی که به وسیلهٔ هنجارها، نقش‌ها و

ارتباط با دیگران هدایت می‌شود. گیدنز نیز باور دارد که اجتماعی شدن فرایندی است که طی آن کودک ناتوان به تدریج به شخصی خودآگاه دانا ورزیده در شیوه‌های فرهنگی که در آن متولد شده است، تبدیل می‌شود.^۳ پارسونز جامعه‌پذیری را معادل درونی‌سازی می‌گیرد و درونی‌شدن را

ویژگی اصلی جامعه‌پذیری می‌داند. از نظر او، درونی‌شدن جهت‌گیری‌های ارزشی، هم محصول فرایند یادگیری و هم نتیجه این فرایند است.^۴ مرتن و همکارش جامعه‌پذیری را به عنوان فرایندهایی که از خلال آن‌ها یک شخصی احساسی از خود حرفه‌ای با ارزش‌ها، طرز تفکرات، دانش و مهارت‌های مشخص آن را توسعه می‌دهد

و آن خود حرفه‌ای می‌تواند رفتار وی را در تنوع گسترده‌ای از موقعیت‌های حرفه‌ای و فوق حرفه‌ای هدایت کند، تعریف می‌کنند.^۵ از دید جامعه‌شناسان، در همهٔ فرهنگ‌ها، خانواده عامل اساسی جامعه‌پذیری در دوران کودکی است؛ ولی با افزایش سن، بسیاری از عوامل دیگر همچون عاملان دینی، گروه همالان و دوستان، مؤسسات آموزشی و رسانه‌ها و فضاهای مجازی نقشی مهم در جامعه‌پذیری افراد دارند.^۶

از منظر روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌پذیری فرایندی است که افراد در

از دیدگاه جامعه‌شناسان، جامعه‌پذیری روندی است که فرد را برای زندگی گروهی آماده می‌کند و نقش اساسی در شکل‌گیری شخصیت، نگرش و رفتار فرد دارد. به بیان دیگر جامعه‌پذیری فرایندی است که طی آن هر فردی راهکارهای ارائه شده از جانب یک اجتماع معلوم یا گروه‌های اجتماعی را یاد می‌گیرد تا بتواند در آن جامعه کارکرد داشته باشد.

جامعه‌پذیری سیستمی سه سطح فرهنگ جامعه‌پذیری مد نظر قرار می‌گیرد. شایان توجه است از آن‌جا که مفروضات بنیادین خاستگاه ارزش‌ها و مصنوعات است، شروع جامعه‌پذیری از مفروضات بنیادین خواهد بود.^۸

بنابراین فقط زمانی که فرد دستورات عمل‌های موجود در جامعه را که خارج از وی وجود دارد، در خود پذیرفته و به عامل تعیین‌کننده رفتار و انجام وظایفش تبدیل می‌سازد که با جامعه ارتباط می‌یابد و به عنوان انسان اجتماعی جامعه‌پذیر می‌شود. واگذاری موقعیت‌ها و انتظار نقش‌ها از افراد، فرایندهای مکملی هستند که جامعه جدید برای تأمین آن‌ها یک نهاد کامل؛ یعنی نظام تربیتی را موظف به

انجام آن کرده است؛ البته نظام‌های تربیتی حتی در جوامع پیشرفته نیز هنوز توسط خانواده، مراکز دینی و سازمان‌های دیگر در جهت انجام بیشتر وظایف خود یعنی آموزش نقش‌ها و جامعه‌پذیری کمک می‌شوند.^۹ فرآیند جامعه‌پذیری با همکاری و همانندی افراد محقق می‌شود. همکاری مساعی دو یا چند فرد برای حصول یک هدف معین است و همانندی یکی شدن دو یا چند فرد از جهت‌های مختلف است. به فرآیند ادراکی و رفتاری که از طریق آن افراد به اجتماع

روند آن، به طور آگاهانه یا ناآگاهانه خود را با هنجارهای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، تطبیق می‌دهند. افراد از طریق فرایند جامعه‌پذیری تعامل خود را با ساختار روابط موجود آن جامعه افزایش می‌دهند و هر چه این تعامل بیشتر باشد، میزان انطباق و پذیرش الگوهای رفتاری آن جامعه نیز افزایش می‌یابد. از این منظر نقطه آغازین جامعه‌پذیری، درونی‌شدن؛

یعنی درک بی‌واسطه یا تفسیر عینی از رویدادهای دارای معنای ذهنی است. این درک با ورود فرد به جهانی که دیگران در آن به سر می‌برند، آغاز می‌شود.^۷

در مدیریت نیز جامعه‌پذیری بر اساس لایه‌های فرهنگی جامعه‌پذیری سازمان، مصنوعات (رفتارهای آشکار)؛

ارزش‌ها (فلسفه و اهداف سازمان) و مفروضات بنیادین (تصور سازمان از حقیقت، ماهیت انسان، فعالیت انسان، ارتباطات انسان‌ها) را شامل می‌شود. در جامعه‌پذیری مصنوعات سازمان به دنبال نهادینه کردن رفتارهای آشکار و روزمره است. در جامعه‌پذیری ارزش‌ها سازمان در صدد است تا اهداف و فلسفه سازمان را به فرد انتقال دهد. در جامعه‌پذیری مفروضات بنیادین سازمان فرایند طولانی و عمیقی را مد نظر دارد تا فرد مفروضات اساسی و ریشه‌ای سازمان را یاد بگیرد. در نهایت در

از دید جامعه‌شناسان، در همه فرهنگ‌ها، خانواده عامل اساسی جامعه‌پذیری در دوران کودکی است؛ ولی با افزایش سن، بسیاری از عوامل دیگر همچون عوامل دینی، گروه همالان و دوستان، مؤسسات آموزشی و رسانه‌ها و فضاهای مجازی نقشی مهم در جامعه‌پذیری افراد دارند.

نخستین نیست؛ بنابراین لازم است که شخص بینش‌ها و بعضی از گرایش‌های قبلی را رها کرده و بینش‌ها و گرایش‌های جدید کسب کند.

● انواع جامعه‌پذیری

جامعه‌پذیری تخصصی و علمی چند بعدی، فرایندی و تکامل‌یابنده است. گذر از مراحل جامعه‌پذیری را به حرکت قطار از ایستگاه‌های متعدد تشبیه کرده‌اند که شامل ایستگاه‌های رسمی، غیر رسمی، انتظاری (رفتاری، شناختی، انگیزشی) و شخصی است.

شش بعد متضاد از جامعه‌پذیری، مرحله اجتماعی در مقابل فردی، رسمی در مقابل غیر رسمی، تصادفی در مقابل مستمر، روش ثابت در مقابل روش متغیر، پیوسته در مقابل گسسته و حفظ هویت فردی یا ایجاد هویت جدید پیچیدگی این مفهوم را نشان می‌دهد.^{۱۱} در جامعه‌پذیری فردی فرایند اجتماعی شدن فرد به تنهایی و انفرادی است. در جامعه‌پذیری جمعی، گروهی از افراد، مانند کارمندان تازه‌وارد

فرایندها و برنامه‌ها را با هم طی می‌کنند. در جامعه‌پذیری رسمی، افراد تازه‌وارد به صورت جدا از اعضای سازمان و قبل از شروع کار آموزش می‌بینند و در جامعه‌پذیری غیر رسمی کارکنان تازه‌وارد از کارکنان دیگر جدا نمی‌شوند و از همان روز اول کار خود را در کنار

پیوند می‌خورند، با آن یکی می‌شوند و در آن می‌مانند، همانندی گفته می‌شود. مهم‌ترین جلوه همانندی فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری است. فرهنگ‌پذیری همانند شدن فرد با رسوم و اخلاق و سایر مظاهر زندگی اجتماعی است و جامعه‌پذیری همانند شدن فرد با موازین زندگی اجتماعی است.^{۱۰}

حال این پرسش پیش می‌آید که با دلالت تعریف‌های پیش‌گفته چه تعریفی برای جامعه‌پذیری حوزوی می‌توان ارائه کرد؟

● جامعه‌پذیری مجدد و ثانویه

یکی از مؤلفه‌های مدل جامعه‌پذیری این است که جامعه‌پذیری یک سازمانی مثل حوزه، مجدد است یا ثانویه. جامعه‌پذیری به لحاظ رده سنی افراد، به دو نوع اولیه و ثانویه

تقسیم می‌شود. «جامعه‌پذیری ثانویه» از جنس جامعه‌پذیری اولیه نیست؛ ولی در امتداد آن صورت می‌گیرد. در این نوع جامعه‌پذیری، شخص برای این‌که عضوی از یک گروه یا جامعه باشد، به دنبال کسب تخصص و آموزش شغل و تحصیل می‌رود، مثل آهنگری،

پزشکی و...؛ بنابراین لزومی ندارد که شخص باورها و عواطفی جدید کسب کند و باورها و عواطف قبلی خود را کنار بگذارد، بلکه تنها کافی است که عناصری فرهنگی جدیدی در مورد شغل و حرفه خود بیاموزد.

جامعه‌پذیری مجدد در امتداد جامعه‌پذیری

مهم‌ترین جلوه همانندی فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری است. فرهنگ‌پذیری همانند شدن فرد با رسوم و اخلاق و سایر مظاهر زندگی اجتماعی است و جامعه‌پذیری همانند شدن فرد با موازین زندگی اجتماعی است.

و مهارت‌های اجتماعی لازم را برای مشارکت مؤثر و فعال در زندگی گروهی و اجتماعی کسب می‌کند. ۱۲. دوم، جامعه‌پذیری

درون‌سازمانی که در آن سازمان‌ها فرهنگ سازمانی خود را به اعضای جدید منتقل می‌کنند که در آن فرد ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای مورد نیاز را به منظور مشارکت در سازمان یاد می‌گیرد. ۱۳. سوم، سرانجام جامعه‌پذیری اجتماعی و درون‌سازمانی که نهادها و سازمان‌های خاصی فراگیران خود را افزون بر جامعه‌پذیری درون‌سازمانی، برای تحقق

اهداف خارج از سازمان و از قبل مشخص و تعریف شده تربیت می‌کنند.

از انواع گوناگون جامعه‌پذیری‌ها، جامعه‌پذیری حوزوی در هر تقسیم‌بندی از کدام نوع است؟

● مدل‌های جامعه‌پذیری

در خصوص جامعه‌پذیری چندین مدل وجود دارد: مدل سنتی یا خطی، مدل غیر خطی، مدل چندمرکزی و مدل تعاملی.

مدل جامعه‌پذیری سنتی یک مدل خطی است. در مدل خطی فرد بر اساس معیارهای نظام آموزشی مراکز علمی پذیرش و با شیوه‌های مورد تأیید و رسمی، طی گذراندن برنامه‌ای ویژه جامعه‌پذیر می‌شود. این مدل، مدلی رسمی است و سیالیت، تعاملی

سایرین شروع می‌کنند و در حین کار اطلاعات لازم به آن‌ها داده می‌شود. در جامعه‌پذیری مستمر برنامه جامعه‌پذیری در

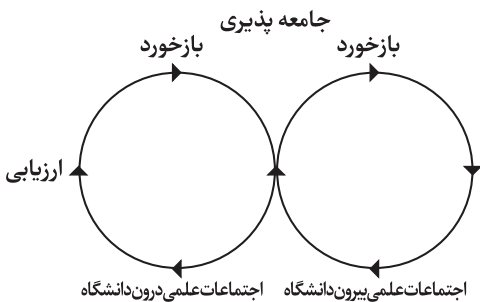
مرحله‌های متوالی و مشخص صورت می‌گیرد و در تصادفی توالی اقدامات نامشخص و مدام در حال تغییر است. جامعه‌پذیری ثابت به فرایندی اشاره دارد که از نظر زمانی مشخص هست؛ ولی در متغیر زمان‌بندی نامشخص است. در جامعه‌پذیری پیوسته اعضای با تجربه در سازمان الگو هستند؛ یعنی فرد مشخص مربی یا آموزش‌دهنده است. در

گسسته الگوهای باتجربه برای افراد تازه‌وارد وجود ندارد و ممکن است چند نفر راهنما باشند. حفظ ویژگی‌ها و ارزش‌های فرد به دلیل شباهت و نزدیکی به ارزش‌های سازمان است و یا تلاش و برنامه‌ریزی برای ایجاد هویت متناسب با سازمان در افراد با ارزش‌ها و ویژگی‌های متفاوت در اوست.

در کل سه نوع جامعه‌پذیری را می‌توان از هم بازشناخت: نخست، جامعه‌پذیری اجتماعی که در آن هر فرد یاد می‌گیرد یا تربیت می‌شود که در جامعه چگونه زندگی کند؛ این نوع به معنای همسازی و همنوایی فرد با ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های گروهی و اجتماعی است. به بیان دیگر اجتماعی شدن فراگردی است که به واسطه آن هر فرد، دانش

جامعه‌پذیری اجتماعی که در آن هر فرد یاد می‌گیرد یا تربیت می‌شود که در جامعه چگونه زندگی کند؛ این نوع به معنای همسازی و همنوایی فرد با ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های گروهی و اجتماعی است. به بیان دیگر اجتماعی شدن فراگردی است که به واسطه آن هر فرد، دانش و مهارت‌های اجتماعی لازم را برای مشارکت مؤثر و فعال در زندگی گروهی و اجتماعی کسب می‌کند.

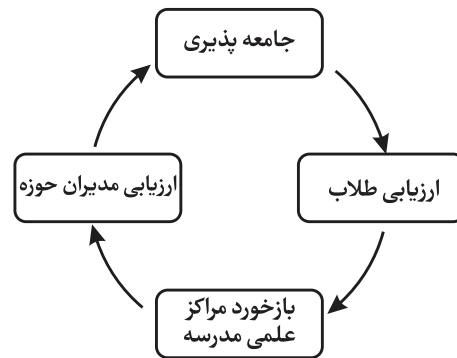
دانش مرکز آموزشی در ارتباط و ترکیب با دانش مراکز آموزشی دیگر، فراگیران را جامعه‌پذیر می‌کند. این مدل در فرایند دوره‌های آموزشی تکامل می‌یابد، ۱۵ نیز بر شبکه ارتباطات شخصی، علمی و حرفه‌ای فراگیران سطح بالاتر آموزش با یکدیگر و با استادان و مراکز علمی بیرونی به عنوان عواملی در تصحیح، ارزیابی و بازنگری، برنامه‌های آموزشی مرکز علمی نظر دارد. مراکز علمی بیرونی برخورد عملی و کاربردی به علم دارند و ارتباط فراگیران سطوح بالاتر آموزشی با این مراکز تسهیل‌کننده پیوند دانش و جامعه است و تغییرات صورت گرفته در اجتماعات آموزشی و یا اجتماعات علمی بیرونی را به یکدیگر منعکس می‌کند و در برنامه‌های آموزشی برای فراگیر جدید این تغییرات اعمال می‌شود.



چهارمین مدل، مدل تعاملی است که شامل مراحل جامعه‌پذیری انتظاری، رسمی، غیر رسمی و شخصی می‌شود. این مدل برای درک تفاوت‌های روندهای موقتی جامعه‌پذیری فراگیران آموزش‌های تخصصی و برای رشته‌های گوناگون به کار می‌رود و

و فرایندی و پویایی، غیررسمی و جنبه‌های دیگر جامعه‌پذیری را نشان نمی‌دهد. فرد در این مدل به عنوان کنشگری خنثا دیده می‌شود که فقط خود را با رویه‌های شناختی و احساسی نقش حرفه‌ای خود تطبیق داده و توانایی هیچ نوآوری در عرصه شناختی را ندارد. مدل‌های خطی ارتباطات مرکز آموزشی با مراکز علمی خارج از مرکز آموزشی مورد نظر را نیز نشان نمی‌دهد.

مدل‌های غیر خطی نسبت به مراکز علمی بیرونی، زمینه‌های خانوادگی، گروه همالان و بازخوردهای برون‌دادهای آموزشی حساس هستند، نیز در مدل‌های غیر خطی ارزیابی فراگیران از برنامه‌های آموزشی ارائه شده، واکنش آنان به استادان و برنامه‌های غیر آموزشی در طول دوره در نظر گرفته می‌شود. در این مدل استادان، مدیران و فراگیران درگیر یک فرایند ارتباطی برای تشخیص این می‌شوند که بدانند فراگیر تا چه حد برای پذیرش نقش‌های حرفه‌ای و تخصصی آماده است. ۱۴



مدل توسعه‌یافته دیگر، مدلی است که

و انتظارات مشترک مورد انتظار در بین انواع متعدد فراگیران در زمینه‌های علمی و حرفه‌ای را نشان می‌دهد. ۱۶ بر اساس این مدل فراگیر، در مرحله انتظار، از طریق رسانه‌های جمعی، فضاهای مجازی، وبسایت‌ها و اینترنت از رفتار مورد انتظار از فراگیر و نقش‌های علمی و حرفه‌ای خود تصویری در ذهن خود مجسم می‌کند. فراگیر با دانش بیرونی به ارزیابی نقش خود می‌پردازد. این تصویر از نقش‌های حرفه‌ای خود تصویری آرمانی است که در مواجهه با دانش درون اجتماعات مرکز علمی و انتظارات گروه این تصویر دوباره ارزیابی می‌شود. در مرحله رسمی، مرکز آموزشی از طریق برنامه‌های رسمی آموزشی، دانش مورد نظر را به فراگیر آموزش می‌دهد و فراگیر از طریق درگیری، ارتباط و یادگیری با مرکز آموزشی، فرهنگ مرکز آموزشی، همالان و برنامه‌های آموزشی درگیر فرایندی از کسب دانش و فعالیت‌های علمی می‌شود. در این مرحله جامعه‌پذیری فراگیر از سطح عمومی به سطح تخصصی ارتقا می‌یابد.

در مرحله غیر رسمی فرهنگ گروهی همالان و ارتباط با استادان منبعی برای شناخت ارزش‌های پنهان؛ ولی پذیرفته شده در گروه‌های آموزشی و بین اجتماعات علمی گوناگون درباره نقش حرفه‌ای فراگیران است. راه‌های ارتباطی شامل فعالیت فراگیران در فعالیت‌های اجتماعی- فرهنگی مرکز آموزشی، گفت‌وگو با دوستان و فراگیران دیگر، مطالعه‌های گروهی و ارتباطات علمی

و اجتماعی با سایر فراگیران است. مرحله شخصی فعالیت‌های اجتماعی و فردی ساختارهای اجتماعی و شخصیتی ترکیب می‌شوند ۱۷ و نقش درونی می‌شود. در این مرحله تصور هماهنگ و یکسانی از نقش تخصصی برای فرد ایجاد می‌شود و تصور از پیش موجود فرد با تصور به وجود آمده از جامعه‌پذیری رسمی و غیر رسمی و عوامل آن یکی می‌شود و فرد به تصویر منسجم از نقش تخصصی خود می‌رسد و هر نوع ناسازگاری که مانع انتقال نقش می‌شود، حل و فصل می‌شود. ۱۸ دانش فراگرفته شده در این مرحله به توانایی‌هایی که فراگیر برای برقراری ارتباط با محققان بیرون از دانشگاه هستند، مبتنی است. در مرحله آخر فرد برای پذیرفتن نقش تخصصی آماده شده و توانایی تفکر مستقل و اجرای تحقیق را دارد.

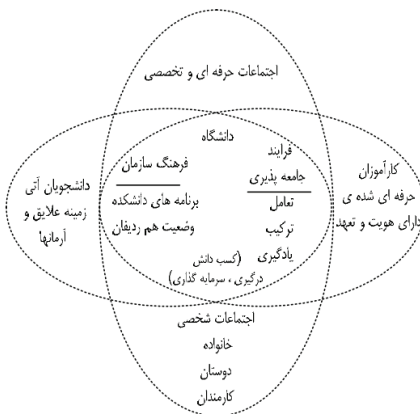
در مدل زیر بیضی‌های نقطه‌چین شده و متداخل، ویژگی تعاملی و انعطاف‌پذیر را نشان می‌دهد. در مرکز نمودار، مرکز علمی و اجتماعات علمی قرار دارد، تجربه اصلی جامعه‌پذیری در برنامه فراگیران در این بخش شامل فرهنگ سازمانی (برنامه‌های علمی، وضعیت ترکیب، یادگیری) و عناصر اصلی جامعه‌پذیری (کسب دانش، سرمایه‌گذاری، درگیری) است. این بخشی از فرایند جامعه‌پذیری رسمی است که در آن، برنامه علمی در مرکز آموزشی است که برای تدریس، تحقیق، برنامه‌های از پیش تعیین شده دارد. گروه آموزشی، برنامه آموزشی و سازماندهی

انتظارات مشترک مورد انتظار در بین انواع متعدد فراگیران در زمینه‌های علمی و حرفه‌ای را نشان می‌دهد. ۱۶ بر اساس این مدل فراگیر، در مرحله انتظار، از طریق رسانه‌های جمعی، فضاهای مجازی، وبسایت‌ها و اینترنت از رفتار مورد انتظار از فراگیر و نقش‌های علمی و حرفه‌ای خود تصویری در ذهن خود مجسم می‌کند. فراگیر با دانش بیرونی به ارزیابی نقش خود می‌پردازد. این تصویر از نقش‌های حرفه‌ای خود تصویری آرمانی است که در مواجهه با دانش درون اجتماعات مرکز علمی و انتظارات گروه این تصویر دوباره ارزیابی می‌شود. در مرحله رسمی، مرکز آموزشی از طریق برنامه‌های رسمی آموزشی، دانش مورد نظر را به فراگیر آموزش می‌دهد و فراگیر از طریق درگیری، ارتباط و یادگیری با مرکز آموزشی، فرهنگ مرکز آموزشی، همالان و برنامه‌های آموزشی درگیر فرایندی از کسب دانش و فعالیت‌های علمی می‌شود. در این مرحله جامعه‌پذیری فراگیر از سطح عمومی به سطح تخصصی ارتقا می‌یابد.

در مرحله غیر رسمی فرهنگ گروهی همالان و ارتباط با استادان منبعی برای شناخت ارزش‌های پنهان؛ ولی پذیرفته شده در گروه‌های آموزشی و بین اجتماعات علمی گوناگون درباره نقش حرفه‌ای فراگیران است. راه‌های ارتباطی شامل فعالیت فراگیران در فعالیت‌های اجتماعی- فرهنگی مرکز آموزشی، گفت‌وگو با دوستان و فراگیران دیگر، مطالعه‌های گروهی و ارتباطات علمی

آموزشی و ارتباط اجتماعی میان همکاران علمی را شکل می‌دهد. فراگیران که وارد برنامه علمی می‌شوند، فرهنگ آن را تجربه کرده و از طریق یادگیری، تعامل با گروه آموزشی و هم‌ردیفان و ترکیب در فعالیت‌های آن به سمت زمینه‌های حرفه‌ای انتخاب شده، جامعه‌پذیر می‌شوند. در طول برنامه علمی خود و زمینه‌های حرفه درگیر شده شرایط و اوضاع هم‌ردیفان را تجربه کرده و در

توسعه ظرفیت‌های لازم برای حرفه‌ای شدن در حوزه انتخابی خود، سرمایه‌گذاری می‌کنند. آن‌ها هم‌چنین خود را با فرهنگ سازمانی تطبیق می‌دهند. ۱۹



براساس دلالت‌های مدل‌های چهارگانه فوق، جامعه‌پذیری حوزوی با کدام یک از این

مدل‌ها انطباق بیشتری دارد؟

● جامعه‌پذیری حوزوی

حوزه به عنوان یک نهاد اجتماعی دارای اجزا و مجموعه‌هایی یکدست و ثابت نیست؛ بلکه همواره در حال تغییر است. حوزه برای آن که بتواند نظم خود را حفظ کند و کارکردهای خود را محقق کند، ناگزیر است افراد جدیدی را جذب کند و آن‌ها را با خود همانند گرداند و برای اهداف و کارکردهای خود آماده کند.

همنواشدن گروهی و هویتی

طلاب نتیجه این همانندی است. هم‌نوایی گروهی به دو صورت است: ساده (صوری) و پیچیده (ژرف). اولی جامعه‌پذیری و دومی فرهنگ‌پذیری نامیده می‌شود. جامعه‌پذیری هم‌نوایی طلبه است با هنجارهای حوزه و جریانی است که طلبه را در عمل با زندگی و زی‌طلبگی همانند می‌کند. طلبه (جامعه‌پذیر شده) کسی است که بر اثر همنواشدن هنجارها، وظایف، راه‌های همکاری و قواعد حوزه را پذیرفته است.

جامعه‌پذیری سازوکار تبدیل افراد تازه‌وارد به حوزه با مدرسان، عالمان، مبلغان و نویسندگان دینی است. تازه‌واردان به حوزه‌ها با جامعه‌پذیری، به طلاب و فضایی تبدیل می‌شوند که از دانش و مهارت لازم برای تبلیغ، تبیین و دفاع از دین برخوردار

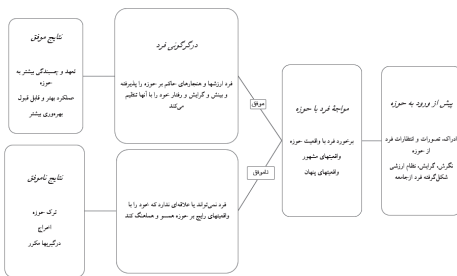
حوزه به عنوان یک نهاد اجتماعی دارای اجزا و مجموعه‌هایی یکدست و ثابت نیست؛ بلکه همواره در حال تغییر است. حوزه برای آن که بتواند نظم خود را حفظ کند و کارکردهای خود را محقق کند، ناگزیر است افراد جدیدی را جذب کند و آن‌ها را با خود همانند گرداند و برای اهداف و کارکردهای خود آماده کند. همنواشدن گروهی و هویتی طلاب نتیجه این همانندی است.

داده می‌شود؛ هم‌چنین طلاب جدید باید فرهنگ طلبگی را نیز بیاموزند. آموختن فرهنگ طلبگی می‌تواند پیچیده‌تر از درک علوم و معرفت‌های مربوط به نقش‌های او در آینده باشد. دربارهٔ آداب و رسوم، هنجارها و ارزش‌های فرهنگی بندرت استاد رسمی وجود دارد و ممکن است طلاب قدیمی و با سابقه برای تبیین این آداب و رسوم، هنجارها و ارزش‌ها به طلاب جدید وقت نداشته باشند و یا وظیفه‌ای را نسبت به آن احساس نکنند. ۲۱

● فرایند جامعه‌پذیری حوزوی

فرایند جامعه‌پذیری حوزوی

با اقتباس از مدل فلدمن را می‌توان به صورت الگوی زیر نشان داد:



همان‌طور که از شکل بالا فهمیده می‌شود، فرد قبل از ورود به حوزه، از آن تصویری در ذهن دارد که طلبگی را به شکل خاص و با تصوراتی برای خود در نظر می‌گیرد؛ چه بسا در برخی

هستند. علوم و فرهنگ یا زی‌طلبگی در این فرایند به نسل جدید حوزه منتقل می‌شود و سازگاری با محیط را برای طلاب ممکن می‌سازند. به فرایند دریافت علوم و فرهنگ یا زی‌طلبگی توسط طلاب، فرایند جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن گفته می‌شود. مجموعه عمل‌های روشمند مستمری (فرایندی) که ثمره‌اش تبدیل یک فرد به طلبه دارای شخصیت و حامل فرهنگ طلبگی خواهد بود. ۲۰ در نظام آموزشی حوزه به جز انتقال علوم حوزوی به طلاب طی جریان جامعه‌پذیری،

بخشی از فرهنگ حوزوی یا زی‌طلبگی؛ یعنی باورها، ارزش‌ها، هنجارهای اجتماعی و نمادها در همهٔ جلوه‌های گوناگون آن به طلاب جدید منتقل می‌شود. محتوای جامعه‌پذیری در حوزه‌ها هرآن چیزی است که طلبه باید برای انطباق با شرایط حوزه بیاموزد. محتوای حوزه علمیه که باید طلبه در خلال فرایند جامعه‌پذیری بیاموزد، شامل دو دسته معرفت است؛ یکی علوم حوزوی و دیگری فرهنگ طلبگی. علوم حوزوی مربوط به نقش‌های او در آینده می‌شود که طلبه باید برای انجام وظایف خود یاد بگیرد. علوم طبق معمول به شیوهٔ رسمی به طلاب آموزش

تکالیف، هویت و نقش‌های دینی به مردم آموزش داده می‌شود؛ هم‌چنین آموخته‌های دینی از طریق حوزه به زمینه‌های دیگر زندگی افراد هم قابل انتقال است و سبب می‌شوند که مردم بتوانند برای مشارکت در زمینه‌های دیگر زندگی نیز به شیوه موفقیت‌آمیزی عمل کنند.

● مؤلفه‌های جامعه‌پذیری حوزوی

از بررسی تاریخ حوزه‌ها می‌توان نتیجه گرفت که مؤلفه‌های جامعه‌پذیری حوزوی به دو دسته ثابت یا دائمی و متغیر یا موقت تقسیم می‌شوند و نیز اموری هستند که جامعه‌پذیری نسبت به آن‌ها در طول تاریخ حوزه‌ها همیشه وجود داشته است و اموری وجود دارند که به مقتضیات شرایط گوناگون اجتماعی زمانی نسبت به آن‌ها جامعه‌پذیری صورت می‌گرفته است و در زمان‌هایی نه.

مؤلفه‌های ثابت و دائمی جامعه‌پذیری طلاب را می‌توان به صورت زیر فهرست کرد:

- طلبه باید توانایی تشخیص رفتارهای مناسب برای موقعیت‌های گوناگون اجتماعی را در خود پرورش دهد؛ به بیان دیگر به هنگام انتخاب از بین هنجارهای متفاوت، رفتار مطابق با هنجار مناسب موقعیت اجتماعی خود را تشخیص دهد؛
- فرهنگ خاص حوزه یا

از موارد، حتی قبل از ورود به حوزه، سعی در الگوبرداری رفتاری از حوزویان داشته و تلاش کند که خود را با هنجارهای حوزه همسو و هماهنگ سازد. از طرفی پس از ورود به حوزه فرد ممکن است دریابد که میان خواسته‌ها، نگرش‌ها و گرایش‌های او با واقعیت حاکم بر حوزه تفاوت‌هایی وجود دارد. در این صورت حوزه باید بکوشد تا فرد را از قالب‌های فکری و رفتاری شکل‌گرفته‌اش خارج سازد و او را با واقعیت حاکم بر حوزه آشنا سازد؛ ولی این کار بیشتر ساده نیست و مستلزم تلاش و فعالیت‌های سنگینی از طرف حوزه و آمادگی پذیرش از سوی فرد است. ۲۲

جامعه‌پذیری در حوزه و به وسیلهٔ حوزه

در جامعه‌پذیری حوزوی باید بین دو مفهوم جامعه‌پذیری در حوزه و جامعه‌پذیری به وسیلهٔ حوزه تفاوت قایل شد. جامعه‌پذیری

در حوزه؛ یعنی آموزه‌های دینی از طریق آموزش رسمی و مشارکت در روابط و شبکه‌های طلاب به طلبه جدید منتقل شود؛ ولی جامعه‌پذیری به وسیلهٔ حوزه، آموزش غیر رسمی بینش‌ها، گرایش‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای دینی به مردم و بهبود ویژگی‌های دینداری آنان به وسیلهٔ حوزویان است؛ به بیان دیگر در مفهوم دوم حوزه به عنوان عامل جامعه‌پذیری افراد جامعه عمل می‌کند و نیز

از بررسی تاریخ حوزه‌ها می‌توان نتیجه گرفت که مؤلفه‌های جامعه‌پذیری حوزوی به دو دسته ثابت یا دائمی و متغیر یا موقت تقسیم می‌شوند و نیز اموری هستند که جامعه‌پذیری نسبت به آن‌ها در طول تاریخ حوزه‌ها همیشه وجود داشته است و اموری وجود دارند که به مقتضیات شرایط گوناگون اجتماعی زمانی نسبت به آن‌ها جامعه‌پذیری صورت می‌گرفته است و در زمان‌هایی نه.

گروهی را (به طور مثال نمازگذاران یک مسجد) که در آن نقش ایفای کند، به خوبی بشناسد؛

- علوم اسلامی موردنیاز برای تبیین آموزه‌های اسلامی، دفاع از آن‌ها و تبلیغ آن‌ها و هر علمی که به عنوان مقدمه این فعالیت‌ها هست را بیاموزد. ۲۳

مؤلفه‌های متغیر جامعه‌پذیری ۲۴ طلاب که در سه محور ارزش‌ها، هنجارها و نقش‌های عالمان معرفت دینی، ارزش‌ها، هنجارها و نقش‌های کارگزاران اجتماعی (اگر طلبه قصد دارد در آینده در دستگاه‌های اجرایی کشور مشغول به کار شود)، عبارت‌اند از:

ارزش‌های علمی (نظری)	<p>یادگیری کنجکاو و اهل تفکر بودن علاقه به کشف حقیقت علم‌آموزی آشنایی با عالمان، مراجع، مجتهدان و شخصیت‌های مذهبی و دینی آشنایی با پیامدهای منفی ضعف علمی شناخت خوب و توان استفاده از وسایل ارتباط جمعی؛ به‌ویژه اینترنت و فضای مجازی</p>
ارزش‌های کاری	<p>طلبه باید مشاغل گوناگون مرتبط با امور دینی را بشناسد</p>
ارزش‌های زیبایی‌شناختی	<p>طلبه باید با زمینه‌های هنر دینی (شعر، تذهیب، خطاطی، موسیقی، فیلم، تئاتر و...) آشنا باشد مهارت‌های یک هنر دینی را حداقل فراگیرد</p>
ارزش‌های اجتماعی	<p>شناخت راه‌های تعاون و همکاری علاقه‌مند به بهبود اوضاع اجتماعی و وضع اعضای جامعه کمک به هم‌نوع (نوع‌دوستی) و همدلی با دیگران</p>

ارزش‌ها ۲۵

<p>باور قلبی به وجود خداوند و عبادت کردن او باور قلبی به حقانیت دین، پیامبر و ائمه معصومین (علیهم السلام)</p> <p>شناخت قرآن و فهم آن</p> <p>شناخت جهاد در راه خدا و دین</p> <p>باور به ایثار و فداکاری در راه خدا و دین</p> <p>تلاش برای درونی کردن از خودگذشتگی، ترحم، امانتداری، عدالت، شجاعت، تقوی</p> <p>تلاش برای پاکیزه نگهداشتن جسم و روح</p> <p>صبر و پایداری در راه دین</p>	ارزش های دینی	ارزش های ۲۵ ساله
<p>وفاداری به خانواده</p> <p>خانواده دوستی</p> <p>همکاری با اعضای خانواده برای بهبود محیط خانواده</p> <p>تلاش برای حفظ امنیت و مراقبت از خانواده</p> <p>فداکاری برای خانواده</p>	ارزش های خانوادگی	
<p>دفاع از مظلوم در مقابل ظالم</p> <p>حق گرایی</p> <p>تحلیل درست اوضاع سیاسی</p> <p>دفاع و یا نقد منصفانه از نظام سیاسی حاکم</p> <p>علاقه به شناخت اوضاع سیاسی داخل جامعه و بین المللی</p>	ارزش های سیاسی	
<p>شناخت آثار باستانی و میراث فرهنگی کشور</p> <p>اهمیت حفظ و نگهداری آثار باستانی و میراث فرهنگی</p> <p>احترام به تمامیت مرزی و پرچم کشور</p>	ارزش های ملی	
<p>حفاظت از محیط زیست</p> <p>آشنایی با بلایای طبیعی (سیل، زلزله، اپیدمی ها، مثل کرونا و...)</p> <p>مقابله با بلایا</p>	ارزش های زیست محیطی	
<p>شناخت سازمان های جهانی (صلیب سرخ، سازمان ملل و...)</p> <p>تلاش برای صلح جهانی</p> <p>بهداشت جهانی</p> <p>آموزش جهانی</p>	ارزش های بین المللی	

مهمان‌نوازی، عیادت از بیمار و...	رسوم اجتماعی	هنجارها
آداب معاشرت، سلام و احوال‌پرسی، احترام به دیگران	آداب اجتماعی	
پذیرایی، استقبال، بدرقه	تشریفات اجتماعی	
احترام به سالمندان، متخصصان، ناتوانان و معلولان و...	اخلاق اجتماعی	
عیاد ملی و مذهبی (عید نوروز، فطر، غدیر، قربان و... روزهای ملی و مذهبی (روز معلم، روز مادر، روز پدر	سنت‌های اجتماعی	
شناخت نقش‌های طلبگی، منبری، امام‌جماعت، روحانی‌سازمانی، استادی و...	نقش‌های سنتی	
مردان: پدری، شوهری، تبلیغی، استادی زنان: مادری، همسری، تبلیغی	نقش‌های جنسیتی	

جامعه‌پذیری اجتماعی و سازمانی

نوع جامعه‌پذیری برتر در حوزه‌ها، جمع بین جامعه‌پذیری اجتماعی و درون‌سازمانی است. در بخش جامعه‌پذیری درون‌سازمانی، جامعه‌پذیری عبارت است از فرایند آشناسدن طلاب جدیدالورود با بینش‌ها، گرایش‌ها و ارزش‌های طلاب و خوگرفتن یا پذیرفتن و رعایت کردن آداب و رسوم (زی‌طلبگی) فرهنگ حوزویان؛ به بیان دیگر جامعه‌پذیری حوزوی فرآیندی است که از طریق آن طلاب جدید ارزش‌ها، هنجارها، خط‌مشی‌ها و رویه‌های طلبگی را می‌شناسد^{۲۶} و با رفتارهای موردنیاز به منظور ایفای نقش در روابط درون حوزه که از آن‌ها انتظار می‌رود، آشنا می‌شوند؛ هم‌چنین یاد می‌گیرند با ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های حاکم بر سازمان حوزه همسازی و هم‌نوایی کنند.

می‌شوند که در جامعه چگونه زندگی کنند؛ هم‌چنین یاد می‌گیرند با ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های حاکم بر جامعه همسازی و هم‌نوایی کنند.^{۲۸}

اگر بپذیریم که جامعه‌پذیری حوزه‌ها اجتماعی و درون‌سازمانی است، این پرسش مطرح می‌شود که چه تفاوتی بین جامعه‌پذیری حوزه‌های سنتی و حوزه‌های معاصر وجود دارد؟ یک احتمال این است که گفته شود اهداف جامعه‌پذیری اجتماعی (خارج از حوزه) حوزه‌های جدید نسبت به اهداف جامعه‌پذیری اجتماعی حوزه‌های سنتی تغییر یافته است. احتمال دیگر این است که نقش‌های واگذار شده به طلاب در حوزه‌های سنتی با نقش‌های محول به طلاب در حوزه‌های جدید متفاوت است.

جامعه‌پذیری سازمانی حوزه

نقش‌های درون‌گروهی، حرفه‌ای و تخصصی هر طلبه شامل دو جنبه شناختی و عاطفی است. جنبه شناختی (شامل علوم و مهارت‌ها) از طریق برنامه‌های درسی و طی مراحل گذراندن مواد درسی حاصل می‌شود که با جامعه‌پذیری رسمی تدارک شده و با برنامه‌های رسمی انطباق دارد. یادگیری اصول علمی هر رشته به وسیله طلاب در حوزه‌های سنتی با

جامعه‌پذیری حوزوی عبارت است از فرایندی که در آن طلاب، دانش و مهارت‌های حوزوی لازم را برای ایفای نقش مؤثر و فعال در زندگی طلبگی و زندگی اجتماعی کسب می‌کنند و با رفتارهای موردنیاز به منظور ایفای نقش در روابط اجتماعی که از آنها انتظار می‌رود، آشنا می‌شوند. در این جامعه‌پذیری طلاب یاد می‌گیرند یا تربیت می‌شوند که در جامعه چگونه زندگی کنند؛ هم‌چنین یاد می‌گیرند با ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های حاکم بر جامعه همسازی و هم‌نوایی کنند.

در بخش جامعه‌پذیری اجتماعی، جامعه‌پذیری حوزوی عبارت است از فرایندی که در آن طلاب، دانش و مهارت‌های حوزوی لازم را برای ایفای نقش مؤثر و فعال در زندگی طلبگی و زندگی اجتماعی کسب می‌کنند^{۲۷} و با رفتارهای موردنیاز به منظور ایفای نقش در روابط اجتماعی که از آنها انتظار می‌رود، آشنا می‌شوند. در این جامعه‌پذیری طلاب یاد می‌گیرند یا تربیت

مصاحبه یا امتحان شفاهی احراز می‌شود؛ از طریق ارتباطات غیررسمی به فرد منتقل ولی امروزه در حوزه‌های جدید یادگیری با می‌شود.^{۲۹}

جامعه‌پذیری انتظاری

به این معناست که از طلبه انتظار می‌رود برای تبیین دین، دفاع از دین و تبلیغ دین؛ پس از نهادینه‌کردن باورها و آموزه‌های دینی در درونش، تلاش کند.^{۳۰} جامعه‌پذیری

انتظاری آموزشی آن است که طلبه یاد بگیرد چگونه آموزه‌های دینی را به دیگران آموزش دهد. جامعه‌پذیری انتظاری پژوهشی آن است که طلبه یاد بگیرد در کنفرانس‌های علمی شرکت کند، پژوهش‌هایی به قصد تولید علمی انجام دهد و با محققان دیگر ارتباط علمی برقرار کند. این نقش‌ها در برنامه‌های رسمی مراکز غیر تخصصی حوزوی وجود ندارد؛ ولی با ورود طلاب به مراحل تخصصی حوزه انتظار می‌رود، برای آماده‌شدن با نقش حرفه‌ای خود این ویژگی‌ها را به دست آورند.

نمره‌ای که طلاب در امتحانات

کتبی رسمی کسب می‌کنند سنجیده می‌شود.

جنبه عاطفی، جنبه غیر رسمی است که با تعامل و ارتباط طلاب با یکدیگر یا با استادان با معیارهای به رسمیت شناخته‌شده و مجاز؛ ولی غیر

واضح و بیان‌نشده به دست می‌آید. در آموزش غیررسمی در طول مرحله جامعه‌پذیری غیر رسمی، انتظارات غیررسمی نقش‌ها به فرد یاد و منتقل می‌شود. یادگیری نقش‌های انتظاری در ارتباط با دیگران به فرد منتقل می‌شود، در ارتباط با کسانی که در حال حاضر ایفاگر نقش هستند فرد سرنخ‌های رفتاری را دریافت کرده و رفتارهای مورد انتظار را مشاهده می‌کند؛ بنابراین همزمان در حالی که بسیاری از اطلاعات از طریق نظام آموزشی و رسمی به فرد منتقل می‌شود؛ ولی فرهنگ و نظام حمایتی، احساسی و اجتماعی همالان

جامعه‌پذیری حوزوی	شناختی	آموزش رسمی	کسب علوم و مهارت‌ها
	عاطفی	آموزش غیر رسمی	ارتباط با طلاب و دیگران
	انتظاری	سازمانی	تبیین، تبلیغ و دفاع از دین
		آموزشی	انتقال آموزه‌های دینی به دیگران
		پژوهشی	تولید علمی

سنتی برای نظام سنتی و مدل تعاملی برای نظام جدید حوزه را ترسیم کرد؛ اگرچه مدل تعاملی در بعد از انقلاب هنوز به طور کامل در نظام حوزه‌ها اجرا نشده است؛ ولی نشانه‌هایی از میل حوزه‌ها به سوی این مدل در تصمیمات، سیاست‌ها و برنامه‌های حوزه دیده می‌شود.

مدل جامعه‌پذیری حوزه‌های سنتی خطی است. در مدل خطی طلبه بر اساس سنت آموزشی حوزه پذیرش و با شیوه‌های مرسوم، طی گذراندن سطوح آموزشی، جامعه‌پذیر می‌شود. این مدل،

مدلی غیر رسمی و سیال است؛ به این معنا که شیوه آموزشی مدرسه‌ای با مدرسه دیگر تا حدودی متفاوت است؛ ولی تعاملی، پویایی، رسمی بودن و مؤلفه‌های دیگر جامعه‌پذیری را نشان نمی‌دهد؛ بنابراین طلبه در حوزه‌های سنتی طلبه‌ای منفعل است که فقط خود را با رویه‌ها و نقش‌های معرفتی و فرهنگی خود تطبیق می‌دهد و به جز تعدادی چند از طلاب، بقیه توانایی هیچ نوآوری در عرصه‌های گوناگون معرفتی، علمی و فرهنگی را ندارند؛ هم‌چنین حوزه‌های سنتی با مراکز علمی دیگر از جمله دانشگاه‌ها و مدارس آموزش و پرورش هیچ ارتباطی ندارند.

جامعه‌پذیری انتظاری آموزشی آن است که طلبه یاد بگیرد چگونه آموزه‌های دینی را به دیگران آموزش دهد. جامعه‌پذیری انتظاری پژوهشی آن است که طلبه یاد بگیرد در کنفرانس‌های علمی شرکت کند، پژوهش‌هایی به قصد تولید علمی انجام دهد و با محققان دیگر ارتباط علمی برقرار کند. این نقش‌ها در برنامه‌های رسمی مراکز غیر تخصصی حوزوی وجود ندارد؛ ولی با ورود طلاب به مراحل تخصصی حوزه انتظار می‌رود، برای آماده‌شدن با نقش حرفه‌ای خود این ویژگی‌ها را به دست آورند.

حوزه شود، به دنبال کسب تخصص، علوم و فرهنگ حوزه می‌رود؛ بنابراین لزومی ندارد که طلبه بینش‌ها و گرایش‌های جدید کسب کند و بینش‌ها و گرایش‌های قبلی خود را کنار بگذارد، بلکه تنها کافی است که عناصر علمی و فرهنگی حوزه را بیاموزد؛ از این رو جامعه‌پذیری حوزه‌ها از نوع جامعه‌پذیری مجدد نیست؛ چراکه طلبه لازم است که بینش‌ها و بعضی از گرایش‌های قبلی خود را رها کند و بینش‌ها و گرایش‌های جدید را کسب کند.

● مدل جامعه‌پذیری حوزوی

در جامعه‌پذیری حوزه می‌توان دو مدل

جامعه‌پذیری مجدد و ثانویه جامعه‌پذیری حوزوی یک جامعه‌پذیری مجدد است یا یک جامعه‌پذیری ثانویه؟ یکی از مؤلفه‌های مدل جامعه‌پذیری حوزه این است که جامعه‌پذیری آن مجدد است یا ثانویه. از آن‌جا که «جامعه‌پذیری حوزه» از نوع جامعه‌پذیری اولیه فرد در دوران کودکی و در خانواده نیست؛ ولی در امتداد آن صورت می‌گیرد، جامعه‌پذیری حوزه از نوع ثانویه می‌باشد. در این نوع جامعه‌پذیری، طلبه برای این که عضوی از

آموزشی، درگیر فرایندی از کسب دانش و فعالیت‌های علمی می‌شود. در این مرحله جامعه‌پذیری فراگیر از سطح عمومی به سطح تخصصی ارتقا می‌یابد.

در مرحله غیررسمی، زی‌طلبگی یا فرهنگ گروه همالان و استادان که منبعی برای شناخت ارزش‌های پنهان؛ ولی پذیرفته‌شده در بین طلاب و گروه‌های علمی گوناگون درباره نقش معرفتی و فرهنگی طلاب است، به طلاب جدید منتقل می‌شود. راه‌های ارتباطی شامل فعالیت طلاب در فعالیت‌های اجتماعی- فرهنگی مدرسه، گفت‌وگو با طلاب دیگر و ارتباط علمی و اجتماعی با سایر طلاب است.

در مرحله شخصی فعالیت‌های اجتماعی و شخصی یا ساختارهای اجتماعی و شخصیتی با هم ترکیب می‌شوند و انتظارات و نقش درونی می‌شود. در این مرحله تصور هماهنگ و

یکسانی از نقش تخصصی برای طلبه ایجاد می‌شود و تصور از پیش موجود طلبه با تصور به وجود آمده از جامعه‌پذیری رسمی و غیررسمی و عوامل آن یکی می‌شود و طلبه به تصویر منسجم از نقش تخصصی خود می‌رسد. علم و معرفت فراگرفته‌شده در این مرحله به توانایی‌هایی که طلبه برای برقراری ارتباط با مراکز علمی دیگر مبتنی است. در مرحله

مدل جامعه‌پذیری حوزه‌های جدید؛ به‌ویژه در ایران پساانقلاب مدل تعاملی است. جامعه‌پذیری تعاملی مراحل جامعه‌پذیری شناختی، عاطفی و انتظاری را شامل می‌شود. از این مدل برای جامعه‌پذیری اجتماعی و سازمانی طلاب از آموزش‌های تخصصی و برای رشته‌های گوناگون استفاده می‌شود؛ هم‌چنین طبق این مدل، انتظارات نقشی مشترک در بین همه طلاب با وجود تنوع‌شان، در زمینه‌های علمی، عاطفی و انتظاری به وجود می‌آید. بر اساس این مدل طلبه، در مرحله انتظار، از طریق رسانه‌های جمعی، طلاب قدیمی‌تر، استادان و امروزه از طریق فضاهای مجازی، وبسایت‌ها و اینترنت از نقش‌های علمی، عاطفی و انتظاری از طلبه تصویری در ذهن خود مجسم می‌کند. طلبه با آگاهی بیرونی به ارزیابی نقش خود می‌پردازد. این تصویر از نقش‌های معرفتی و

عاطفی، تصویری آرمانی است که در مواجهه با زی‌طلبگی حاکم بر حوزه‌های علمیه و انتظارات حوزه این تصویر ارزیابی می‌شود. مدارس تحت برنامه به‌طور رسمی، از طریق برنامه‌های رسمی آموزشی، معرفت و فرهنگ مورد نظر را به طلبه آموزش می‌دهند و طلبه از طریق درگیری، ارتباط و یادگیری با حوزه، فرهنگ حوزه، همالان، برنامه‌های

● طلبه در حوزه‌های سنتی طلبه‌ای منفعل است که فقط خود را با رویه‌ها و نقش‌های معرفتی و فرهنگی خود تطبیق می‌دهد و به جز تعدادی چند از طلاب، بقیه توانایی هیچ نوآوری در عرصه‌های گوناگون معرفتی، علمی و فرهنگی را ندارند؛ هم‌چنین حوزه‌های سنتی با مراکز علمی دیگر از جمله دانشگاه‌ها و مدارس آموزش و پرورش هیچ ارتباطی ندارند.

آخر فرد برای پذیرفتن نقش تخصصی آماده شده و توانایی تفکر مستقل و اجرای تحقیق را دارد.

● بایسته‌های جامعه‌پذیری حوزوی

۱. فرهنگ‌پذیری؛ طلاب جدیدالورود در سال‌های نخستین طبق معمول دچار نوعی نگرانی و اضطراب می‌شوند. گاهی اضطراب بیش از اندازه موجب لطمه‌زدن به وظایف، فعالیت و زندگی طلبه می‌شود؛ از این رو ضرورت دارد آنان به سرعت فرهنگ‌پذیر و جامعه‌پذیر شوند. تعارض نقش - شخصیت که نوعی تضاد درونی و ناسازگاری با حوزه و شاید بریدن از حوزه است، هنگامی پدید می‌آید که بین انتظارات نقشی که طلبه باید اجرا کند و جنبه‌های گوناگون شخصیت او، هنجارها، مقررات، حقوق، وظایف، امتیازات، نیازها، علایق، سرمشق‌ها، استعدادها، توانایی‌ها، ارزش‌ها، عقاید و عادات، ناهماهنگی و تضاد

به وجود می‌آید. تضاد بین نقش واقعی و نقش آرمانی؛ یعنی تضاد بین انتظارات و موازین مربوط به نقش طلبگی که برای طلبه مقرر شده است و انتظارات آرمانی که طلبه از نقش خویش دارد، یکی از وجوه تعارض نقش - شخصیت است.

یکی از راه‌های کاهش تعارض نقش - شخصیت فرهنگ‌پذیرشدن طلبه است.

حوزه می‌تواند از راه نظم‌رفتاری سبب انطباق و سازگاری عقاید و ارزش‌های طلاب با عقاید و ارزش‌های حوزه شود. هر گاه فردی به گونه‌ای رفتار کند که رفتارش مطابق با انتظارات و هنجارهای حوزه باشد، فرد طلبه شده است. فرآیند فرهنگ‌پذیرشدن در حوزه باید به گونه‌ای باشد که تنوع رفتاری کمتری در بین طلاب که نقش‌های یکسانی را بر عهده دارند، دیده شود.

۲. تحول‌گرایی؛ جامعه‌پذیری در حوزه پسانقلاب باید به کدام سو هدایت شود؟ جامعه‌پذیری حوزه‌های علمیه پسانقلاب در حال اتخاذ جهت‌گیری‌های جدید است. حوزه‌ها به عنوان مفسر اصلی و انرژی‌دهنده جامعه دینی در حال پذیرش نقشی مهم است. حوزه همان‌طور که باید براننده جامعه دینی باشد، باید روز به روز بیشتر به کارگزار جامعه دینی تبدیل شود و از دیدگاهی گسترده و هوشمندانه به

نیازهای جامعه نزدیک شود؛ با این همه تلاش‌هایی که برای سازگاردن جامعه‌پذیری در حوزه‌ها با نیازهای اجتماعی به عمل آمده است، مثل تأسیس مراکز تخصصی حوزوی، تدوین متون جدید، راه‌اندازی دوره‌های پودمانی، دوره‌های آموزشی که سازمان‌های گوناگون برای طلاب برگزار می‌کنند و... هنوز واگرایی‌های گسترده‌ای بین

مدارس تحت برنامه به طور رسمی، از طریق برنامه‌های رسمی آموزشی، معرفت و فرهنگ مورد نظر را به طلبه آموزش می‌دهند و طلبه از طریق درگیری، ارتباط و یادگیری با حوزه، فرهنگ حوزه، همالان، برنامه‌های آموزشی، درگیر فرایندی از کسب دانش و فعالیت‌های علمی می‌شود. در این مرحله جامعه‌پذیری فراگیر از سطح عمومی به سطح تخصصی ارتقا می‌یابد.

و مجتهدان اطلاعات، معرفت و آگاهی‌های وجود دارد. تغییرات جامعه ما پس از پیروزی انقلاب اسلامی شگفت‌انگیز بوده است؛ ولی جامعه‌پذیری طلاب نسبتاً ایستا باقی مانده است.

۳. تخصص‌گرایی؛ در جوامع سنتی با زندگی اجتماعی و سیاسی ساده، مطالبات دینی اندکی از سوی مردم متوجه حوزه‌های علمیه بود. مطالبات دینی مردم از طلاب و روحانیون به صورت جانبی

و مجتهدان اطلاعات، معرفت و آگاهی‌های وجود دارد. تغییرات جامعه ما پس از پیروزی انقلاب اسلامی شگفت‌انگیز بوده است؛ ولی جامعه‌پذیری طلاب نسبتاً ایستا باقی مانده است.

۳. تخصص‌گرایی؛ در جوامع سنتی با زندگی اجتماعی و سیاسی ساده، مطالبات دینی اندکی از سوی مردم متوجه حوزه‌های علمیه بود. مطالبات دینی مردم از طلاب و روحانیون به صورت جانبی

شده‌اند که باید بخش بزرگی از طلاب را در سطح تخصصی و در مراکز تخصصی آموزش داد. باید وظیفه حوزه انقلابی را تربیت طلبه اجتماعی، متخصص و کارآمد بدانیم نه یک طلبه فقط موفق در علوم حوزوی؛ بنابراین نتایج جامعه‌پذیری در حوزه‌ها باید بیشتر جنبه اجتماعی داشته باشند نه فردی.

۴. انتقادی بودن؛ به نظر می‌رسد کارکرد و مسئولیت اصلی حوزه، تعلیم و تربیت طلاب، بسط دانش آنان، آموزش پیگیری حقیقت و توسعه حیات فکری و شغلی ایشان است؛ ولی باید یکی از اهداف جامعه‌پذیری در حوزه‌ها، ایجاد روحیه انتقادی در طلاب باشد. در فرایند جامعه‌پذیری سنتی، جامعه‌پذیری حوزوی قابلیت و ظرفیت انتقادی بودن را از طلاب برای اندیشیدن جامع به مسائل گوناگون که در زندگی اجتماعی به وجود می‌آید، از بین

و با مشارکت در فعالیت‌های روزمره در کنار تحصیل علوم سنتی حوزوی به دست می‌آمد؛ ولی با پیچیده شدن ارتباطات جوامع جدید موضوعات و مسائل جدیدی در مقابل حوزه‌ها قرار گرفت که طلاب را به سوی تخصص‌هایی سوق داد که فقط از طریق آموزش‌های تخصصی گسترده کسب می‌شوند. در گذر قرن‌ها و در حین حرکت جامعه از شکل و کارکردهای ساده‌تر به پیچیده‌تر نیاز به این که طلاب درک بیشتری از شکل‌ها و کارکردهای پیچیده اجتماعی بیابند و در ایفای نقش‌های اجتماعی ماهرتر شوند، نیز افزایش یافته است؛ از این رو حوزه‌ها برای ایفای نقش‌های جدید اجتماعی نیاز به نهادهای آموزشی جدید دارند. در جامعه‌پذیری سنتی حوزه، علوم حوزوی برای تدریس فن خواندن و فهم قرآن و تعالیم دینی کفایت می‌کرد و عالمان

برده است.

۵. آموزش پژوهش محور؛ پیشرفت علمی حوزه رابطه‌ای تنگاتنگ با تغییرات اجتماعی دارد. جایگاه حوزه در شکل‌دهی به جامعه دینی باید به موازات برنامه‌ای برای گسترش علوم حوزوی و کاربرد آن در جامعه پیش

رود؛ با این همه سهم گسترده پاره‌ای از طلاب فاضل و مستعد و خودجوش در امر پژوهش، حوزه باید به ایفای نقش محوری خود در فعالیت‌های پژوهشی بپردازد.

با فراهم کردن بستر اکتشاف و پژوهش برای طلاب شایسته و هدایت منافع و امکانات در جهت حمایت از طلابی که در حرفة پژوهشی شرکت می‌کنند، حوزه پژوهش محور خواهد شد.

جامعه‌پذیرکردن طلاب برای پژوهش تنها به خود فعالیت پژوهشی محدود نمی‌شود؛ بلکه در جامعه‌پذیرکردن طلاب

برای پژوهش افق‌های گسترده

دانش، توانایی تفکر شفاف، منطقی و خلاقانه و نیز جامعیت فکری و تفکر انتقادی گشوده خواهد شد. کسب چنین خصوصیتی که تا حدی برای پژوهش ضروری است، امروزه فقط برای معدودی از طلاب حاصل می‌شود.

۶. حوزه باید طلاب را در انواع و همه سطوح علمی و تخصصی جامعه‌پذیر کند

و باید الگوهای آموزشی‌ای را به کار گیرد که طلاب را مؤثرتر از گذشته برای پذیرش نقش‌های اجتماعی و تخصصی در جامعه آماده می‌کند. در جامعه پسانقلاب نظم جدید در حال شکل‌گرفتن است، آداب و رسوم آموزش سنتی تا حدودی کناررفته و در حال متروک شدن و حتی سبک‌های

جدید زندگی در حال ظهور هستند. حوزه باید هوشمندانه بر اساس این تغییرات طلاب را جامعه‌پذیری کند و اگر در این امر ناکام شود، آن‌گاه تغییراتی ناخواسته و غیر قابل کنترل را تجربه خواهد کرد؛ از این رو حوزه نمی‌تواند به نیازهای جامعه‌ای که به آن وابسته است و بخش جدانشدنی از آن است، بی‌توجه باشد.

۷. مدیران حوزه جهت جامعه‌پذیری طلاب باید از یک رویکرد انتقادی و نامنظم پرهیز کنند؛ چون که به کارگیری جامعه‌پذیری رسمی

در تازه‌واردان تأثیر مطلوب‌تری دارد. مدیران حوزه‌ها باید برای جامعه‌پذیری طلاب جدید برنامه‌ای منظم و مدون داشته باشند؛ چراکه شخصیت بیشتر طلاب در یکی دو سال اول طلبگی شکل می‌گیرد و بی‌برنامه‌بودن به شکل‌گیری شخصیت طلاب جدید آسیب وارد می‌کند؛ بنابراین مدیران حوزه‌ها باید

با پیچیده‌شدن ارتباطات جوامع جدید موضوعات و مسائل جدیدی در مقابل حوزه‌ها قرار گرفت که طلاب را به سوی تخصص‌هایی سوق داد که فقط از طریق آموزش‌های تخصصی گسترده کسب می‌شوند. در گذر قرن‌ها و در حین حرکت جامعه از شکل و کارکردهای ساده‌تر به پیچیده‌تر نیاز به این‌که طلاب درک بیشتری از شکل‌ها و کارکردهای پیچیده اجتماعی بیابند و در ایفای نقش‌های اجتماعی ماهرتر شوند. نیز افزایش یافته است؛ از این رو حوزه‌ها برای ایفای نقش‌های جدید اجتماعی نیاز به نهادهای آموزشی جدید دارند.

حوزه؛ یعنی آموزه‌های دینی از طریق آموزش رسمی و مشارکت در روابط و شبکه‌های طلاب به طلبه جدید منتقل شود؛ ولی جامعه‌پذیری به وسیله حوزه آموزش غیررسمی بینش‌ها، گرایش‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای دینی به مردم و بهبود ویژگی دینداری آنان به وسیله حوزویان است.

یکی از نتایج این مقاله این است که مؤلفه‌های جامعه‌پذیری حوزوی به دو دسته ثابت یا دائمی و متغیر یا موقت تقسیم می‌شوند. مؤلفه‌های ثابت و دائمی جامعه‌پذیری طلاب عبارت‌اند از:

تشخیص رفتارهای مناسب برای موقعیت‌های گوناگون اجتماعی، شناخت فرهنگ محل خدمت مثل شهر یا مسجد و یادگیری علوم اسلامی به طور شایسته؛ ولی مؤلفه‌های متغیر جامعه‌پذیری طلاب که زمانی در حوزه‌ها وجود دارند و زمان‌هایی نیز وجود ندارند، در سه محور ارزش‌ها، هنجارها و نقش‌های عالمان معرفت دینی، هنجارها و نقش‌های کارگزاران اجتماعی خلاصه شده‌اند.

نتیجه مهم دیگر این جستار این است که جامعه‌پذیری بیشتر در حوزه‌ها جمع بین جامعه‌پذیری اجتماعی و

به طلاب جدید کمک کنند تا با فرهنگ و زی‌طلبگی آشنا و هماهنگ شوند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله برای ترسیم مدل جامعه‌پذیری حوزه ضمن تعریف جامعه‌پذیری حوزوی، مؤلفه‌های آن بررسی شد و با تألیف آن‌ها به مدل جامعه‌پذیری حوزه رسیدیم. حوزه به عنوان یک نهاد جامعه‌پذیرکننده، در راستای رفع نیازهای اجتماعی و در جهت انجام کامل وظایف خود باید رابطه تنگنگی با جامعه داشته باشد؛ از این رو ارتباط با جامعه نیز نیاز به ایفای صحیح نقش جامعه‌پذیری دارد.

طبق تعریف، جامعه‌پذیری هم‌نواایی طلبه با هنجارهای حوزه است، فرایندی که طلبه را در عمل با زندگی و زی‌طلبگی همانند می‌کند. طلبه (جامعه‌پذیر شده) کسی است که بر اثر هم‌نوا شدن هنجارها، وظایف، راه‌های همکاری و قواعد حوزه را پذیرفته است. به فرایند دریافت علوم و فرهنگ یا زی‌طلبگی توسط طلاب، فرایند جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن گفته می‌شود. در موضوع جامعه‌پذیری حوزوی باید بین دو مفهوم آن‌ها را از هم جدا کرد: جامعه‌پذیری در حوزه و جامعه‌پذیری به وسیله حوزه. جامعه‌پذیری در

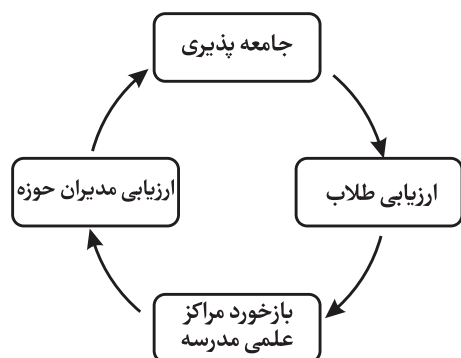
با فراهم کردن بستراکتشاف و پژوهش برای طلاب شایسته و هدایت منافع و امکانات در جهت حمایت از طلابی که در حرفه پژوهشی شرکت می‌کنند، حوزه پژوهش محور خواهد شد. جامعه‌پذیر کردن طلاب برای پژوهش تنها به خود فعالیت پژوهشی محدود نمی‌شود؛ بلکه در جامعه‌پذیر کردن طلاب برای پژوهش افق‌های گسترده دانش، توانایی تفکر شفاف، منطقی و خلاقانه و نیز جامعیت فکری و تفکر انتقادی گشوده خواهد شد. کسب چنین خصوصیتی که تاحدی برای پژوهش ضروری است، امروزه فقط برای معدودی از طلاب حاصل می‌شود.

نیست؛ ولی در امتداد آن صورت می‌گیرد؛ پس جامعه‌پذیری درون‌سازمانی طلاب از نوع ثانویه است نه مجدد؛ از این رو، لزومی ندارد طلبه بینش‌ها و گرایش‌های جدید کسب کند و بینش‌ها و گرایش‌های قبلی خود را کنار بگذارد.

ابعاد جامعه‌پذیری درون‌سازمانی حوزه عبارت‌اند از: شناختی، عاطفی و انتظاری با مؤلفه‌های آموزش رسمی، آموزش غیر رسمی، انتظاری سازمانی آموزشی و پژوهشی.

درون‌سازمانی است. در بخش درون‌سازمانی طلاب یاد می‌گیرند با ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های حاکم بر حوزه همسازی و همنوایی کنند و در بخش اجتماعی طلاب تربیت می‌شوند که در جامعه چگونه زندگی کنند و با ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های حاکم بر جامعه همسازی و همنوایی کنند. هم‌چنین این نتیجه از دلالت پژوهی جامعه‌پذیری حوزه به دست آمد که «جامعه‌پذیری حوزه» از نوع جامعه‌پذیری اولیه طلبه در دوران کودکی در خانواده

جامعه‌پذیری حوزوی	شناختی	آموزش رسمی	کسب علوم و مهارت‌ها
	عاطفی	آموزش غیر رسمی	ارتباط با طلاب و دیگران
	انتظاری	سازمانی	تبیین، تبلیغ و دفاع از دین
		آموزشی	انتقال آموزه‌های دینی به دیگران
		پژوهشی	تولید علمی



مهم‌ترین نتیجه این جستار این است که مدل جامعه‌پذیری حوزوی، به دو شکل خطی و تعاملی به دست آمد. مدل جامعه‌پذیری حوزه‌های سنتی خطی است. مدل خطی غیر رسمی و سیال است؛ به این معنا که شیوه آموزشی مدرسه‌ای با مدرسه دیگر تا حدودی متفاوت است؛ ولی تعاملی، پویایی، رسمی بودن و مؤلفه‌های دیگر جامعه‌پذیری را نشان نمی‌دهد.

- ۲th edn. San Francisco: Jossey- leadership . Bass, p ۴۱۷-۴۱۸.
۹. رالف دارنדרف؛ *انسان اجتماعی*: جستاری در باب تاریخچه، معنا و نقد مقوله نقش اجتماعی؛ ترجمه غلامرضا خدیوی؛ ص ۸۶.
۱۰. شعبان الهی؛ «هوشمندسازی سازمان»، *فصلنامه پیام مدیریت*؛ س ۲، ش ۲، ص ۲۷-۲۸.
11. Tierney; w. g. and rhoads; r; a.; “faculty socialization as cultural process: a mirror of institutional commitment; ASHE-ERIC higher education report”; no. P.93-96. Washington; DC; the George Washinton University; Scohool of Education and Human Development.
۱۲. علی علاقه‌بند؛ *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*؛ چ ۱۹، ص ۷.
13. Van manen, M. *Research lived experience: human science for an action sensitive pedagogy*. London, Ontario: State University of newyork press P.67.
14. Weidman. J. c; Twale. D. J; Stein. E. L; “Socialization of graduate and professional student in higher education”; ASHE-ERIC higher education report volume 28; Number 3; jossey-bass wilery company San Francisco.
15. Weidman. J. c; Twale. D. J; Stein. E. L; “Socialization of graduate and professional student in higher education”; ASHE-ERIC higher education report volume 28; Number 3; jossey-bass wilery company San Francisco.
16. Weidman. J. c; Twale. D. J; Stein. E. L; “Socialization of graduate and professional student in higher education”; ASHE-ERIC higher education report volume 28; Number 3; jossey-bass wilery company San Francisco.
17. Thorton; R. and Nardi; P. M.; “The dynamics of role acquisition”; *American Journal of Sociology*; 80; pp. 870 – 885.

مدل جامعه‌پذیری حوزه‌های جدید؛ به‌ویژه در ایران پس‌انقلاب مدل تعاملی است. جامعه‌پذیری تعاملی مراحل جامعه‌پذیری شناختی، عاطفی و انتظاری را شامل می‌شود. از این مدل برای جامعه‌پذیری اجتماعی و سازمانی طلاب در آموزش‌های تخصصی و برای رشته‌های گوناگون استفاده می‌شود. آخرین دستاورد این تحقیق در مورد بایسته‌های جامعه‌پذیری حوزوی است که عبارت‌اند از: توجه به فرهنگ‌پذیری در کنار جامعه‌پذیری، تحول‌گرایی، تخصص‌گرایی، انتقادی‌بودن، پژوهش‌محور، همه‌جانبه‌گرایی و برنامه‌گرایی.

پی‌نوشت:

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲. F. Elkin and g. handel, *The ghild and society* : the process of socialization, New york : random P.4.
۳. آنتونی گیدنز؛ *جامعه‌شناسی*؛ ترجمه منوچهر صبوری؛ چ ۱، ص ۶۷.
۴. Parsons, Talcott and Robert f. bales. *Socialization and interaction process*, P ۲۰۸.
۵. Merton, R. K. G. *Reader and Kendall, The Pkysician*, Cambridge, MA : Harvard Univsity Press, ۱۹۵۷, p.??.
۶. آنتونی گیدنز؛ *جامعه‌شناسی*؛ ترجمه منوچهر صبوری؛ چ ۱، ص ۱۰۳.
۷. پتر برگر و توماس لوکمان؛ *ساخت اجتماعی واقعیت*؛ ترجمه فریرز مجیدی؛ ص ۱۷۸.
۸. Schein E, *Organizational culture and*

role acquisition"; American Journal of Sociology; 80; pp. 870 – 885..

30. Weidman. J. c; Twale. D. J; Stein. E. L; "Socialization of graduate and professional student in higher education"; ASHE-ERIC higher education report volume 28; Number 3; jossey-bass wiley company San Francisco.

منابع:

۱. الهی، شعبان؛ «هوشمندسازی سازمان»، فصلنامه پیام مدیریت؛ س ۲، ش ۲، بهار ۱۳۸۱.

۲. اسولیوان، تام و دیگران؛ مفاهیم کلیدی ارتباطات؛ ترجمه میرحسین رئیس زاده؛ تهران: نشر فصل نو، ۱۳۸۵.

۳. برگر، پتر و توماس لوکمان؛ ساخت اجتماعی واقعیت؛ ترجمه فریبرز مجیدی؛ تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۸۷.

۴. دارندرف، رالف؛ انسان اجتماعی: جستاری در باب تاریخچه، معنا و نقد مقوله نقش اجتماعی؛ ترجمه غلامرضا خدیوی؛ تهران: آگاه، ۱۳۷۷.

۵. علاقه‌بند، علی؛ جامعه‌شناسی آموزش و پرورش؛ چ ۱۹، تهران: انتشارات روان، ۱۳۷۶.

۶. گیدنز، آنتونی؛ جامعه‌شناسی؛ ترجمه منوچهر صبوری؛ چ ۱، تهران: ...، ۱۳۷۳.

۷. مرجایی، سیده‌ادی؛ جامعه‌پذیری دانشگاهی، رویکردها و فرایندها؛ تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی؛ مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۹۶.

Charon, J. The Meaning of Sociolog: A Reader. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall 1987.

Clugstone, Michael and Howel, John P. and Dorfman, Peter W. "Does Cultural Socialization Predict Multiple Bases and Foci of Commitment". Journal of Msngement, 2000, Vol. 20, No. 1, p. 5 – 30.

18. Weidman. J. c; Twale. D. J; Stein. E. L; "Socialization of graduate and professional student in higher education"; ASHE-ERIC higher education report volume 28; Number 3; jossey-bass wiley company San Francisco.

19. Weidman. J. c; Twale. D. J; Stein. E. L; "Socialization of graduate and professional student in higher education"; ASHE-ERIC higher education report volume 28; Number 3; jossey-bass wiley company San Francisco.

۲۰. سیده‌ادی مرجایی؛ جامعه‌پذیری دانشگاهی، رویکردها و فرایندها؛ ص ۳۷.

۲۱. همان.

22. Michael Clugstone and John P. Howel and Peter W. Dorfman, "Does Cultural Socialization Predict Multiple Bases and Foci of Commitment". Journal of Msngement, Vol. 20, No. 1, p. 5 – 30..

۲۳. سیده‌ادی مرجایی؛ جامعه‌پذیری دانشگاهی، رویکردها و فرایندها؛ ص ۱۰۷.

24. Charon, J. The Meaning of Sociolog: A Reader. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall p.63.

۲۵. هر آن چه برای یک فرد یا نظام اجتماعی مورد نیاز، محترم، مقدس، خواستنی و مطلوب باشد مانند آزادی، استقلال، رفاه و محبت

Sills, D., International Encyclopedia of the Social Sciences, New York: Mac Millan Publishing Inc p. 283.

۲۶. تام اسولیوان و دیگران؛ مفاهیم کلیدی ارتباطات؛ ترجمه میرحسین رئیس زاده؛ ص ۲۰۱.

۲۷. علی علاقه‌بند؛ جامعه‌شناسی آموزش و پرورش؛ چ ۱۹، ص ۷.

28. Van manen, M. Research lived experience: human science for an action sensitive pedagogy. London, Ontario: State University of newyork press P.67.

29. Thorton; R. and Nardi; P. M.; "The dynamics of

report”; no. 93 – 6. Washington; DC; the George Washinton University; Scohool of Education and Human Development 1994.

Thorton; R. and Nardi; P. M.; “The dynamics of role acquisition”; American Journal of Sociology; 1975. 80; pp. 870 – 885.

Van manen, M. Research lived experience: human science for an action sensitive pedagogy. London, Ontario: State University of newyork press 1990.

Weidman. J. c; Twale. D. J; Stein. E. L; “Socialization of graduate and professional student in higher education”; ASHE-ERIC higher education report volume 28; Number 3; jossey-bass wilery company San Francisco 2001.

Elkin, F. and g. handel, The ghild and society: the process of socialization, New york: random hous 1972.

Merton, R. K. G. Reader and Kendall, The Pky-sician, Cambridge, MA: Harvard Univsity Press 1957.

Parsons, Talcott and Robert f. bales. Socialization and interaction process. New York: free press 1955. P. 208.

Schein E, Organizational culture and leadership. 2th edn. San Francisco: Jossey-Bass, 1992, 418 p.

Sills, D., International Encyclopedia of the Social Sciences, NewYork: Mac Millan Publishing Inc 1986.

Tierney; w. g. and rhoads; r; a.; “faculty socialization as cultural process: a mirror of institution-al commitment; ASHE-ERIC higher education